وجود تعدد قرائات در زمان رسول الله در نظر شیخ طوسی

نکته دوم فرمایش صاحب مفتاح الکرامه است. فرمودند «کلام هذین الإمامین قد یعطی أن التواتر إنّما وه لأربابها»؛ نه الی رسول الله ص. این هم در کنارش یادداشت کنید. «تواتر الی اربابها» به چه معنا است؟ یعنی این قرائات به این هفت نفر میرسد، اینها این هفت قرائت را درآوردهاند و ما از بعد از آنها خبر نداریم. طبق مبنای حرف واحد بعد از آنها وقتی به اصل عصمت میرسیم یکی میشود. این را به «هذین الامامین» نسبت دادهاند. در کنار اینجا عبارت مبسوط را مینویسیم. شیخ در قضیه تعیین مهر فرموده بودند، وقتی شوهر مهر خانومش را تعلیم قرآن قرار میدهد آیا لازم است که تعیین قرائت خاص کند؟ در مبسوط بود که نه، «لأن النبي (صلى الله عليه و آله) لم يعين على الرجل[۱]». این مبسوط شیخ است. پس شما چطور میخواهید به شیخ نسبت بدهید که این تواتر به این هفت نفر میرسد وتمام؟! در مبسوط میگویند این تعدد ادامه داشت و در زمان خود حضرت هم بود. عبارت مبسوط این است:

> **و هل يجب تعيين القراءة و هي الحرف الذي يعلمها إياه على وجهين، أحدهما لا يجب، و هو الأقوى، لأن النبي (صلى الله عليه و آله) لم يعين على الرجل و الوجه الآخر لا بد من تعيين الحروف لأن بعضها أصعب من بعض[۲]**

«... لأن النبي (صلى الله عليه و آله) لم يعين على الرجل»؛ حضرت تعیین نکردند این قرائت را اقراء کن ای آن قرائت را.

همین عبارت ایشان -«لم یعین الرجل»- در مسالک و در جواهر اضافه هم داشت. «لان التعدد کان موجودا فی ذلک الزمان». این هم اضافه مسالک و جواهر بود. این را شیخ ندانشتند اما مفادش همین است.

شاگرد: اگر این را هم بیان نکنند، در درونش همین مطلب هست.

استاد: احسنت. یعنی بوده که معین نکردند. مگر میشود واحد را تعیین کرد؟! این عبارت مبسوط است، دال بر این است که در زمان حضرت هم بوده. اما ایشان میگویند به هفت نفر که میرسد تمام میشود. خیلی هم عبارت روشن است. «هل یجب تعیین القرائة؟». در متن شرایع «حرف» آمده. صاحب جواهر و شهید باید توضیح بدهند که حرف بهمعنای قرائت است. ایشان خودشان در مبسوط کلمه قرائت را میآورند که دیگر نیازی به توضیح نباشد.

« و الوجه الآخر لا بد من تعيين الحروف»؛ حروف یعنی قرائات،**«لأن بعضها أصعب من بعض»**؛ بعضی از آنها سختتر است، ارزش تعلیم آن بالا و پایین میرود. در همه تفاوت میکند و لذا در همه مبهم میشود.

شاگرد: این را برای در چه چیزی فرمودید؟

استاد: برای اینکه صاحب مفتاح الکرامه فرمودند کلام شیخ میرساند که تواتر الی اربابها است. من قرینه منفصله از مبسوط آوردم که ایشان تعدد را به بیش از قراء سبعه بردهاند و به خود حضرت رساندهاند.

شاگرد: تواتر تا ارباب قرائات منافاتی ندارد... .

استاد: من به این توجه دارم. یعنی مانعی ندارد که بعد از آنها تعدد تا زمان حضرت برود اما متواتر نباشد. اما اصل تعدد را که ایشان گفتهاند از آنها به بعدش را هم با ضمیمه کردن مقدمه خارجی تمام میکنیم. مقدمه این است، این هفت نفر همان هایی که در زمان حضرت بود را برای شاگردانشان بازتاب میدادند. نه اینکه اجتهاد کنند. شیخ هم همین را میدانند. من مواضع متعددی از تبیان را آوردهام. شیخ میفرمایند «القرائة سنة متبعة». حتی یک جا میرسند و میگویند از نظر قواعد عربی این اقوی و اوجه است، اما چه کنیم که قرائت سنت است.

شاگرد: شما در مقابل صاحب حدائق که میگویند اجتهادی است، اشکال میکنید. و الا با اینکه نزول واحد بوده منافاتی ندارد.

استاد: بله، همچنین در مقابل مفتاح الکرامه است که میگویند «قد یعطی»، میخواهم بگویم که ملازمه ای ندارد؛ لا یعطی.

شاگرد۲: فرمایش شما این است که این شاهد خوبی است که ذهنیت نزول واحد اصلاً در ذهن شیخ نبوده است.

استاد: احسنت. اینها چیزهای مهمی است. اینکه فضای ذهنیت شیخ بزرگوار چه بوده برای ما خیلی مهم است. من خیلی شواهد منفصله داشتم. اینکه گفتم غدیریه بود، به جهت متصله بودن آن بود. و الا شواهد منفصله را مفصل عرض میکنم. از تهذیب، از جاهای دیگر. یک جا که میخواهند بگویند این قرائت جایز نیست، به حدیث خاص استشهاد میکنند. نه به حدیث حرف واحد. همان جا مرحوم مجلسی جلوی ایشان را میگیرند. آن یک جلسه جدا میخواهد که بحث کنیم. در تهذیب یک قرینه منفصله خیلی عالیای هست. بحث یک ساعتی میخواهد که از آن صحبت کنیم.

شاگرد: ما در کلام شیخ این سؤال را داشته باشیم که ممکن است در زمان خود حضرت رسول هم تعدد باشد اما از باب تسهیل باشد. یعنی نزول واحد است و تعدد از باب تسهیل است.

استاد: بله، یعنی محتملات صاحب وسائل که سه تا بود مطرح است. ما هنوز باید ببینیم که در ذهنیت مرحوم شیخ کدام یک از اینها اولی است. ما دنبالش هستیم.

---

[1]المبسوط في فقه الإمامية ج۴ ص۲۷۳

[2]همان

بازبینی #3
ایجاد شده 16 آوریل 2024 12:43:45 توسط ... .
به روزرسانی شده 23 مه 2024 11:54:57 توسط ... .